

مطالعه تطبیقی میزان اعتماد مردم پکن و تهران به پلیس

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۰
تاریخ اصلاح: ۱۳۹۰/۰۴/۲۰
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۵/۲۳

فریبا شایگان^۱ و حمید جربانی^۲

چکیده

زمینه و هدف: این تحقیق، با رویکردی تطبیقی یافته‌های پژوهش‌ها که توسط ایوان وایسون در خصوص اعتماد مردم چین به پلیس انجام شده است را با اطلاعات مربوط به اعتماد مردم تهران به پلیس مقایسه نموده و علاوه بر مقایسه، میزان اعتماد مردم این دو کشور به پلیس، شاخص‌های سنجش اعتماد مردم به پلیس را هم مورد بررسی قرار داده است.

روش: در بحث نظری با استفاده از تئوری تعارض به‌عنوان چارچوب نظری راهنما، آثار متغیرهای متضاد جنسیت، سن، تحصیلات، درآمد و شغل و همچنین، اثر سیاسی، رضایت از امنیت عمومی و رضایت از کیفیت زندگی با استفاده از روش مطالعه تطبیقی در دو کشور ایران و چین باهم مقایسه شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای متضاد، وضوح چندان‌دانی درباره میزان طرز فکر مردم راجع به پلیس ندارند. معمولاً جوانان چینی و فقیران تهرانی و آن‌هایی که قدرت سیاسی زیادی ندارند، اعتماد بالایی هم به پلیس نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری: رضایت مردم از ایجاد امنیت و کیفیت زندگی خود، رابطه مثبت با اعتماد مردم به پلیس دارد.

کلیدواژه‌ها:

اعتماد به پلیس، مردم تهران، دیدگاه عمومی، تئوری تعارض، چین.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ استناد: شایگان، فریبا؛ جربانی، حمید (۱۳۹۰). پاییز. مطالعه تطبیقی میزان اعتماد مردم پکن و تهران به پلیس. فصلنامه مطالعات مدیریت

انتظامی، ع (۳)، ۴۱۷-۴۳۴.

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی، تهران، ایران. h13412004@gmail.com

مقدمه

برقراری نظم و امنیت و رعایت عدالت در اجرای قوانین و مقررات از وظایف مهم پلیس در تمام کشورهاست. این وظیفه خطیر به دلیل چندبُعدی بودن آن و پیچیدگی کار پلیس و نیز سر و کار داشتن با ناهنجاری‌ها و پلشتی‌های جامعه، بدون حمایت و همکاری مردم امکان‌پذیر نیست. حمایت مردم زمانی جلب می‌شود که آنان از عملکرد پلیس رضایت داشته و اعتماد بالایی به پلیس داشته باشند، در غیر این صورت جلب همکاری آنان دشوار است و حتی ممکن است با اقدامات و کارشکنی‌های مردم که ناشی از بی‌اعتمادی به پلیس و ناکارآمد دانستن آنان باشد، کار را برای پلیس دشوارتر نمایند. بنابراین به نظر می‌رسد که جلب حمایت و اعتماد مردم به پلیس باید در برنامه کاری دولت‌ها و دستگاه‌های انتظامی کشور قرار گیرد و عوامل تأثیرگذار بر جلب اعتماد مردم، شناسایی و درجهت تقویت آن‌ها کوشش شود. مقاله حاضر، میزان اعتماد مردم به پلیس و عوامل تأثیرگذار بر آن را بررسی کرده و با اتکا بر داده‌های موجود، اعتماد مردم پکن و تهران به پلیس را مقایسه کرده و به تحلیل آن‌ها پرداخته است. این مقایسه می‌تواند ضمن ارائه شناختی از میزان اعتماد مردم این دو پایتخت به پلیس، وجوه تفاوت و تشابه این امر را در دو کشور متفاوت و در عین حال از جهاتی مشابه را نشان دهد.

براساس دیدگاه دورکیم، روش مقایسه سه نوع کاربرد دارد:

الف: تحلیل گوناگونی‌ها در داخل جامعه و در زمان یا برهه‌ای معین؛

ب: مقایسه‌های جوامعی که به‌طور کلی مشابه‌اند اما از بعضی جهات متمایزند؛

ج: مقایسه جوامعی که به‌طور کلی نامشابه‌اند اما از بعضی جهات دارای تشابه‌اند؛

بنابراین کار مقایسه می‌توان درون جامع‌های یا بین جامع‌های باشد یا هم زمانی یا در زمانی باشد

(ساروخانی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸).

دلیل انتخاب چین برای مقایسه: هدف این تحقیق، ارزیابی میزان اعتماد مردم پکن و تهران به پلیس و عواملی است که برای تغییر اعتماد مردم به پلیس به‌وجود می‌آید. لازم به ذکر است که طبق آنچه کا^۱ و هو^۲، در سال ۲۰۰۱، لین^۳ و اکسی^۴ در سال ۱۹۸۸ انجام شده است، چین یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان است و بررسی تجربی درک مردم چین نسبت به پلیس مبتنی بر مجموعه‌ای از تحقیقات می‌باشد.

-
1. Cao
 2. Hou
 3. Lin
 4. xie

همچنین این محققان اعلام کرده‌اند که مردم چین از پلیس می‌ترسند. البته تحقیقات نشان می‌دهند که مردم در سراسر جهان از پلیس می‌ترسند. از طرفی چین کشوری است که تاحد زیادی پیرو فلسفه مارکسیسم است و بر اهمیت فلسفه مارکسیسم و حمایت از جامعه فاقد طبقه اجتماعی تأکید دارد. با توجه به موارد پیش گفته، چین یک دولت ایده‌آل برای بررسی توضیحات تئوری تعارض درخصوص طرز فکر مردم نسبت به پلیس می‌باشد.

از جمله دلایل مقایسه این دو کشور این است که:

- ایران و چین هر دو در قاره آسیا و با فاصله اندکی از یکدیگر قرار دارند.
- هر دو، انقلاب بزرگی تجربه کرده‌اند، با این تفاوت که ماهیت هر دو انقلاب کاملاً متفاوت است. یکی با تکیه بر مبانی دینی و اسلامی (ایران) و دیگری با تکیه بر جدایی دین از زندگی و سیاست و مبانی کمونیسم (چین) انقلاب کرده‌اند.
- اطلاعات راجع به اعتماد مردم پایتخت هر دو کشور به پلیس با فاصله زمانی تقریباً مشابه (۱۳۸۵، ۲۰۰۴) و با یک جمعیت تقریباً یکسان (۶۳۰ نفر تهران، ۷۱۷ نفر پکن) موجود بود و می‌توانستیم به صورت فرا تحلیل این موضوع را مقایسه کنیم.

اهمیت و ضرورت تحقیق: مطالعه اعتماد مردم به پلیس برای برنامه‌ریزی پلیس در بهره‌گیری از همکاری و حمایت مردمی امری ضروری است؛ زیرا هرچه اعتماد مردم به پلیس بیشتر باشد، همکاری آن‌ها با پلیس بیشتر خواهد بود. لذا ضرورت دارد که پلیس با آگاهی از وضع موجود و با اطلاعات درست برنامه‌ریزی نماید تا در اجرای آن‌ها موفق شود. همچنین مقایسه دو کشور متفاوت که تشابهاتی با هم دارند در این زمینه می‌تواند به شناخت بیشتر عوامل ثابت تأثیرگذار در امر اعتماد سازی کمک کند به نحوی که اگر متغیرهای مشابهی در هر دو کشور وجود داشته باشند، جای تأمل و سرمایه‌گذاری بیشتر برای افزایش اعتماد وجود خواهد داشت. از آنجا که مبنای این تحقیق تئوری تعارض است، مقایسه نظرات تعارض گرایان در دو کشور موافق و مخالف آن دیدگاه ثمره علمی قابل توجهی خواهد داشت.

تحقیقات پیشین: تحقیقی راجع به اعتماد مردم چین و امریکا به پلیس توسط کا او و هو در سال ۲۰۰۱ انجام شد، آن‌ها با به کار بردن اطلاعاتی که توسط سازمان بررسی ارزش‌های جهان گردآوری شده بود، متوجه شدند که چینی‌ها اعتقاد کمتری به برخوردهای جزایی دارند و اعتماد بیشتری به سیستم اجتماعی دارند، از زندگیشان راضی‌اند و اطمینان زیادی به پلیس دارند؛ ولی در مقایسه با مردم امریکا، اعتماد کمتری به پلیس دارند.

لین و اکسی در سال ۱۹۸۸ در تحقیقی دریافتند که ساکنین پکن^۱ نسبت به مردم امریکا، ژاپن و

تایوان، اعتماد کمتری به پلیس دارند. نتایج این تحقیق نشان داده است که شغل پلیسی در چین در میان ۵۰ شغلی که آن‌ها بررسی کردند، زیر ۵۰ درصد اعتبار داشته است، در حالی که مردم امریکا معمولاً به خاطر مراقبت و استانداردهای اخلاقیشان، در میان سایر شغل‌ها، به شغل پلیس اهمیت بیشتری می‌دهند. طبق گفته پوستور^۱ و مگیور^۲، در سال ۲۰۰۳، ظاهراً مردم چین اعتبار زیادی برای شغل پلیس قائل نیستند. تحقیقی هم توسط وزارت ارشاد در سال ۱۳۸۰ انجام شد که اعتبار مشاغل در این تحقیق بررسی شده است. طبق نتایج این تحقیق، شغل پلیسی در بین ۱۸ شغل رتبه ۶ را دارد که رتبه نسبتاً خوبی است (یافته‌های پیمایشی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۷).

تحقیق دیگر بر اساس اطلاعات سازمان بررسی قربانیان بین‌المللی ملل متحد در پکن انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که بیش از (۸۲/۹ درصد) موافقان اظهار داشتند که شغل پلیسی برای کنترل جرایم شغل مناسبی می‌باشد. از سویی دیگر بیشتر موافقان که گزارش یک جرم را به پلیس می‌دهند (۵۷/۵ درصد) اعلام کرده‌اند که آن‌ها با روشی که پلیس برای جرم‌های گزارش شده به کار می‌برد، موافق نیستند (زوتال^۳، ۱۹۹۵).

بررسی میزان اعتماد مردم چین به پلیس، تحقیق دیگری است که با بهره‌گیری از تئوری تعارض به مطالعه اعتماد مردم در ۸ شهر از شهرهای چین پرداخته است. در این تحقیق که به مطالعه متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، درآمد، شغل و همچنین قدرت سیاسی و کیفیت زندگی و تأثیر آن‌ها بر اعتماد به پلیس پرداخته به این نتیجه رسیده است که جوانان و آنان که قدرت سیاسی زیادی ندارند، اعتماد زیادی هم به پلیس ندارند. همچنین طرز فکر مردم راجع به پلیس تحت تأثیر رضایت از امنیت، کیفیت دولت، رشوه‌خواری مأمورین دولتی و توانایی دولت برای رسیدگی به جرم است (سان^۴، ۲۰۰۹).

بررسی میزان اعتماد مردم تهران به پلیس تحقیق دیگری است که در سال ۱۳۸۶ با جامعه آماری ۶۳۰ نفر از شهروندان تهرانی ۲۰ سال به بالای شهر تهران صورت گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که میزان اعتماد مردم به پلیس در حد مطلوبی است و در مقایسه با پنج نهاد سیاسی مهم کشور، اعتماد مردم به آینده پلیس و حل مسائل مبتلابه جامعه در آینده در بالاترین رده قرار دارد. اعتماد مردم نسبت به ویژگی‌های مدیریتی مسؤولان ناجا مطلوب و نسبت به ویژگی‌های مذهبی و اخلاقی آنان بسیار بالاست (شایگان، ۱۳۸۷).

-
1. Postor
 2. Maguire
 3. Zhuetal
 4. Sun

تئوری تعارض و آگاهی پلیس: تئوری تعارض، تئوری رفتار قانون جزایی است. طبق آنچه چاملیس^۱ و سیدمن^۲ در سال ۱۹۸۲، کویننی^۳ در سال ۱۹۷۰، ولد^۴ در سال ۱۹۵۸ گفته‌اند، فعالیت‌های سیستم عدالت جزایی تضمین می‌کند که آنهایی که صاحب قدرت‌اند، در همان وضعیت باقی می‌مانند و تهدید گروه‌های دیگر را به حداقل می‌رسانند. تئوری تعارض، عملیات و فعالیت‌های پلیس را توصیف می‌کند. چاملیس و سیدمن در سال ۱۹۷۰ گفته‌اند که پلیس از علایق طبقه برتر حمایت می‌کند و طبقات پایین‌تر، قربانی قوانین جزایی‌اند (ولد، ۱۹۵۸).

برخی از مطالعات تجربی برای امتحان تئوری تعارض در جنبه‌های مختلف رفتار پلیس مثل میزان دستگیری و بازداشت مجرمان، به کار می‌روند. لیسکا^۵ و چاملین^۶ و در سال ۱۹۸۴، ماسر^۷ در سال ۲۰۰۱ اعلام کردند که زور و جبر بیش از اندازه به کار می‌رود. جاکوبس^۸ و بریت^۹ در سال ۱۹۷۹ گفته‌اند که غیر نظامیان توسط پلیس کشته شده‌اند، اندازه حوزه پلیسی و توزیع امکانات پلیسی طبق آنچه جکسون^{۱۰} در سال ۱۹۸۶، کارول^{۱۱} و جکسون^{۱۲} در سال ۱۹۸۱، کنت^{۱۳} و جکسون در سال ۲۰۰۵، و استاکی^{۱۴} در سال ۲۰۰۵ اعلام کردند، در تحقیقات کمی از تئوری تعارض برای آزمایش طرز فکر مردم و رفتارشان در برابر پلیس استفاده شده‌است. این تئوری اثبات می‌کند که آگاهی هر فرد از فهم گروه‌های مختلف در جامعه نشأت گرفته است. مخصوصاً اعضای گروه‌های خودی (حکمفرما) معمولاً ریاست و برتری را با هم می‌دانند. اعضای گروه فرمانبردار با هم فرق دارند و مخالف هم هستند و رقیبان هم بخش بزرگ‌تر گروه امتیازی هستند. بر اساس این امتیازات، ویتزر و تان در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ بحث کردند که سفید

-
1. Chambliss
 2. Seidman
 3. Quinney
 4. Vold
 5. Liska
 6. Chamlin
 7. Mosher
 8. Jacobs
 9. Britt
 10. Jackson
 11. Carrol
 12. Jackson
 13. kent
 14. Stucky

پوستان دیدگاه‌های خوبی راجع به پلیس دارند به دلیل اینکه آن‌ها از جانب سیاه پوستان تهدید نژادی شدند. بر اساسی مطالعات نمونه ملی تامسون^۱ و لی^۲ در سال ۲۰۰۴، از تئوری تعارض برای توضیح آگاهی مردم راجع به جبر و زور پلیسی استفاده کردند. آن‌ها متوجه شدند که نژاد و جنسیت دو عامل مهم برای نشان دادن عدم رضایت مردم از خشونت پلیسی با سیاه پوستان بود و زنان بیش از سفید پوستان و مردان از جبر و زور پلیس ناراضی بودند. همچنین تئوری تعارض، نشان دهنده شکایت مردم از پلیس می‌باشد. هومس^۳ در سال ۲۰۰۰ به این نتیجه رسیده که بعد از کنترل میزان جرم، مناطقی که جمعیت بسیار کمی دارند و اسپانیایی که امریکایی صحبت می‌کنند، بیشتر شاهد خشونت پلیس بودند و شکایات جزئی خودشان را اعلام کردند.

تعارضاتی در جامعه چین: کشور چین اگرچه به ظاهر کمونیستی است و شعار جامعه بی‌طبقه را سرمی‌دهد؛ براساس تئوری تعارض باید به فکر کاهش تعارض بین مردم باشد، لیکن شواهد حاکی از آن است که آنچه تئوری تضاد در مورد کشورهای سرمایه‌داری می‌گوید در چین هم صدق می‌کند. بی‌عدالتی در چین زیاد شده است. ضریب جنسیتی، ارزیابی بیشترین ناعدالتی درآمد/ تقسیم ثروت در چین از ۴۰ در سال ۱۹۹۳ به بیش از ۴۷ در سال ۲۰۰۴ رسید که از خط اخطار بین‌المللی ۴۰ درصد نیز گذشته است. در عرصه اقتصادی نیز در این کشور، به هیچ وجه از بی‌عدالتی جلوگیری نمی‌شود. نی^۴ در سال ۱۹۸۳ بیان کرد که در جوامع چینی، ترکیب نسبتاً کاملی از قدرت‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد. قدرت سیاسی و اقتصادی تأثیر زیادی بر سیستم عدالت جزایی و قانونی دارند. تحقیقات گالانتر^۵ در سال ۱۹۷۴ نشان داد که گروه‌های قدرتمند مردم یا «ثروتمندان» در فرآیند عدالت جزایی مثل قضاوت و داوری در امریکا نقش مهمی داشتند. اگرچه هیچ تحقیق تجربی مشابهی در چین در این زمینه وجود ندارد، ولی داستان‌های رسان‌های و مثال‌های زیادی مبنی بر اینکه چطور مردم ثروتمند و قدرتمند می‌توانند در فرآیند عدالت جزایی پیشرفت کنند و به کمک پول و قدرتشان، روابطشان را با افسران پلیس، دادیار و قاضیان ارتقا دهند، وجود دارد.

بنابراین، برخلاف عقیده کمونیسم راجع به رسیدن به آزادی و استقلال در جامعه، امروزه جامعه چینی‌ها بزحمت به این طبقات اجتماعی تقسیم می‌شود. افزایش بی‌عدالتی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

-
1. Thomson
 2. Lee
 3. Holmes
 4. Nee
 5. Galanter

به بیشتر شدن تنش‌ها، تعارض‌ها و مشکلات مختلف اجتماعی مثل ارتکاب به جرم منجر می‌شود. لیو^۱ در سال ۲۰۰۵ و دای^۲، کا^۳ او^۴ در سال ۲۰۰۱ بیان کردند که چین شاهد افزایش عمده جرایم در طول ۲ دهه گذشته بوده است، مخصوصاً جرایم اقتصادی مانند سرقت، دزدی و کلاهبرداری. تانر^۴ در سال ۱۹۹۹ اعلام کرده که دولت، مکانیزم کنترل را سفت و سخت گرفته است؛ اما وقتی تعارض‌ها بین ثروتمندان مثل تاجران، مدیران، کارخانه داران، سرمایه گذاران و فقیران مثل کارگران و ساکنین محلی زیاد می‌شود، معمولاً پلیس از علایق و مزایای ثروتمندان حمایت می‌کنند و به فقیران اهمیت نداده و به آن‌ها توجهی نمی‌کند. این حمایت نابرابر از جانب قانون باعث می‌شود، اعتماد افراد از دولت‌های محلی راجع به منابع مالی سلب‌شده و مسئولین محلی باید پاسخگوی آن‌ها باشند. وانگ^۵ در سال ۲۰۰۶ گفت زمانی که مردم ثروتمند و قدرتمند محلی با مشکلی مواجه می‌شوند، برای کمک به سراغ پلیس می‌روند. روابط مستحکم بین ثروتمندان و پلیس باعث شده که ثروتمندان از موضع بهتری برخوردار باشند.

اقدامات پلیس چین برای کسب اعتماد مردم: جی او^۶ در سال ۱۹۹۵ بیان کرد که افسران پلیس بازخورد عقاید مردم را برای پیشرفت کارشان به کار می‌برند مثل: توزیع پرسشنامه، برگزاری جلساتی برای ساکنین محل و ایجاد نهاد نظارت بر مردم. همچنین بیشتر سازمان‌های پلیسی هر ساله از مردم تقدیر و تشکر می‌کنند. برکی^۷ در سال ۱۹۸۹ اعلام کرد که افسران پلیس در طول زمان کارهای بسیار خوبی را انجام دادند، مثل برآوردن احتیاجات مردم با دارایی یا سرمایه دولت و کمک به آن‌ها برای حل مشکلات دشوارشان در جامعه. در مجموع، مردمی که اعتماد زیادی به پلیس و سیاست دولت برای خدمت به مردم دارند، به پلیس احترام می‌گذارند.

با این همه در مجموع روابط مردم با پلیس در چین به دلایلی چندان خوش بینانه نیست. اولاً، احترام به مسئولین ممکن است به معنی ترس از آن‌ها باشد نه اعتماد به آن‌ها. به علاوه، دولت در طی چند دهه گذشته، اشتباهات بزرگی انجام داد، مثل انقلاب فرهنگی که در سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۶ اتفاق افتاد و واقعه

-
1. Liu
 2. Dai
 3. Cao
 4. Tanner
 5. Wong
 6. Jiao
 7. Bracey

اسکووار^۱ و تیانان من^۲ در سال ۱۹۸۹، که به تدریج مشروعیت دولت را تضعیف کرد و اعتماد مردم را به مسئولین کاهش داد. دوم اینکه، جی او در سال ۱۹۹۵ اعلام کرد، روابط بین افسران پلیس و ساکنین محل برابر نیست به دلیل اینکه پلیس، فرمانروا و ساکنین محل، فرمانبردار هستند. چنین روابط نابرابری نشان می‌دهد که مردم باید از پلیس اطاعت کنند ولی لزوماً نباید به آن‌ها احترام بگذارند یا روابط صمیمان‌های با آن‌ها داشته باشد و دیگر اینکه، پلیس چین قدرت زیادی دارد و می‌تواند به آسانی از قدرتش سوء استفاده کند. قوانین چین باعث شده که پلیس‌ها، قدرت زیادی داشته باشند؛ از جمله مجازات اجرایی را مثل جریمه و بازداشت در زندان‌های پلیسی بدون موافقت قضایی انجام می‌دهند. ما^۳ در سال ۲۰۰۳ گفت که پلیس چین به موافقت دادگاه احتیاج ندارد و تن‌ها رئیس پلیس اجازه بازرسی دارد. به‌علاوه وی اظهار داشت که پلیسی چین می‌تواند به اجرای کار وکیل مدافع، نظارت کند.

رشوه‌خواری پلیس، مشکل دیگری است. پلیس چین روابط صمیمانه‌ای با افراد ثروتمند و قدرتمند جوامع محلی دارد و معمولاً قانون را به‌صورت متفاوتی برای افراد ثروتمند و فقیر اجرا می‌کند. اغلب اوقات، افسران پلیس شکایت می‌کنند که آن‌ها بیش از حد کار می‌کنند ولی حقوق کمی می‌گیرند، بنابراین باید از ثروتمندان که به‌طور روز افزون درآمدها بیشتر می‌شود، رشوه بگیرند، آن‌ها تا جایی که می‌توانند از موقعیت اجتماعی قربانشان سوء استفاده می‌کنند. در سال ۲۰۰۵، یو^۴ و رن^۵، ۱۱۰ شکایت ضد پلیس را در کمتر از ۲ ماه با بی‌سیم، گزارش دادند، به‌طور کلی ۲۶۰۶۵ شکایت در این مدت گزارش شد. تقریباً تمام این شکایات مربوط به رشوه‌خواری پلیس می‌باشد. مثل سوء استفاده از قدرت به سود خودشان. آن‌ها با بی‌انصافی تمام قوانین را اجرا کردند و از کسانی که با آن‌ها رابطه داشتند طرفداری کرده و مخالف بقیه بودند. در مجموع، رواج فعلی این کار و بد رفتاری و سخت‌گیری پلیس با طبقات پایین مردم چین، باعث شده که آن‌ها به پلیس اعتماد نکنند.

فرضیه‌ها: طبق تئوری تعارض که مبنای علمی مطالعه حاضر است، به‌نظر می‌رسد که اعضای گروه‌های بی‌قدرت و محرومین، خانم‌ها، جوانان و افرادی با تحصیلات کم و درآمد پایین و افراد چینی بیکار بیش از بقیه گروه‌ها، به پلیس بی‌اعتماد می‌باشند. به‌دلیل اینکه وقتی مردم احساس کمبود کنترل شرایط سیاسی و اجتماعی را دارند و خودشان را بی‌قدرت می‌بینند، حتی اگر جزء طبقات پایین جامعه هم نباشند،

-
1. Squar
 2. Tiananman
 3. Ma
 4. Yu
 5. Ren

طرز فکر چندان مثبتی به مؤسسات دولتی ندارند. براساس آنچه آمد و با توجه به اطلاعات در دسترس، فرضیات زیر تدوین می‌گردد:

۱. بین رابطه تحصیلات و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۲. بین رابطه جنسیت و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۳. بین رابطه سن و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۴. بین رابطه درآمد و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۵. بین رابطه اشتغال و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۶. بین رابطه رضایت از امنیت در جامعه و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۷. بین رابطه قدرت سیاسی و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.
۸. بین رابطه کیفیت زندگی و اعتماد به پلیس در تهران و پکن مشابهت وجود دارد.

روش

اطلاعات تحقیق انجام شده در چین توسط انجمن مرکز تحقیقات علوم اجتماعی چین در سال ۲۰۰۳ به دست آمده است و اطلاعات ایران از رساله دکترای شایگان (۱۳۸۶) که اطلاعات آن در سال ۱۳۸۵ جمع‌آوری شد، به دست آمده است.

روش تحقیق تطبیقی است که یافته‌های دو تحقیق که هر دو به روش پیمایشی با ابراز پرسشنامه در پکن و تهران به دست آمده مقایسه می‌شوند.

جامعه آماری در کشور چین ۷۱۷ نفر از ساکنین پکن و در ایران ۶۳۰ نفر از ساکنین تهران می‌باشند. روش نمونه‌گیری در چین مشخص نیست و در تهران به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای صورت گرفته است. آلفای کرونباخ ابزار تحقیق در پکن ۰/۷۲ و در تهران ۰/۸۵ می‌باشد که نشانگر قابلیت اعتبار بالاست.

متغیر وابسته: ارزیابی متغیر وابسته یعنی اعتماد بر پلیس، با پرسیدن یک سوال جداگانه از جواب دهندگان انجام می‌شد: آن‌ها تا چه حد می‌توانند برای برآورده شدن علایقشان در جامعه به پلیس اعتماد کنند؟ پاسخ‌های مختلفی که به این سوال داده شد، به شرح زیر است: ۱- اصلاً نمی‌توانند اعتماد کنند؛ ۲- اعتماد کمی دارند؛ ۳- تا حدی اعتماد می‌کنند؛ ۴- خیلی اعتماد می‌کنند. بنابراین بالاترین نمره، نشان دهنده بیشترین اعتماد به پلیس می‌باشد. در ایران نیز با پرسشی مشابه که چقدر می‌توانید در جامعه به پلیس اعتماد کنید؟ پاسخ‌هایی به شکل فوق کسب گردیده بود.

متغیرهای کنترل و مستقل: متغیرهای مستقل شامل مجموع‌های از متغیرهای متضاد مانند: جنسیت،

سن، تحصیل، درآمد، شغل و با نشان دادن خانم‌ها، جوانان (کمتر از ۳۰ سال)، محصلان زیر دیپلم، با درآمد کم (کمتر از ۱۰۰۰۰ یوان درآمد یک خانواده در یک سال در پکن و ۳۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال درآمد خانوار در یک سال ۱۳۸۵ در تهران براساس گزارش خط فقر در این سال^۱ سنجش شد. قدرت و تأثیر سیاسی، متغیر مستقل دیگری است و شامل ۲ مورد است. در چین از جواب‌دهندگان پرسیدند که آیا آن‌ها با ۲ مورد زیر موافق هستند یا نه؟ ۱- به‌طور کلی افرادی مثل من این قدرت را ندارند که روی فعالیت‌ها و سیاست‌های دولت تأثیر بگذارند؛ ۲- سیاست‌ها و دولت‌ها آنقدر پیچیده‌اند که گاهی اوقات من متوجه نمی‌شوم که چه اتفاقی می‌افتد؛ و در ایران با این دو گویه سنجیده شد: ۱- به‌طور کلی، افرادی که برای مجلس شورای ملی انتخاب می‌شوند، بعد از اینکه انتخاب شدند، دیگر به مردم فکر نمی‌کنند؛ ۲- مسئولین دولتی توجه زیادی به مردمی که مثل من فکر می‌کنند، ندارند. این جواب‌ها از ۱ که نشان دهنده موافقت زیاد می‌باشد تا ۵ که بیانگر مخالفت زیاد است، طبقه‌بندی شده‌اند. بنابراین، نمره زیاد نشان دهنده سطح بالای قدرت و تأثیر سیاسی است.

متغیر دیگر، رضایت مردم از امنیت کشور است که با یک سؤال جداگانه از جواب‌دهندگان پرسیده می‌شود که راجع به رضایت یا نارضایتی آن‌ها از امنیت عمومی می‌باشد (۱= نارضایتی کامل و ۵= رضایت کامل). نمره زیاد نشان دهنده رضایت بیشتر مردم از امنیت عمومی می‌باشد. آگاهی از کیفیت زندگی متغیر بعدی است که رضایت مردم را از زندگی خودشان در کل ارزیابی می‌کند، این متغیر بین ۲- تا ۲ می‌باشد. این عامل مقدار مشخصی ۲/۷۴ و تغییرات بیان شده ۵۴ درصد را بین تمام عوامل دیگر دارد.

یافته‌ها

توصیف متغیرها

جدول ۱. توصیف میزان اعتماد به پلیس در شهر پکن

ردیف	میزان اعتماد	فراوانی	درصد
۱	اصلاً اعتماد ندارد	۳۶	۵
۲	اعتماد کمی دارد	۱۶۴	۲۲/۹
۳	درحد متوسط اعتماد دارد	۳۹۴	۵۵
۴	اعتماد زیادی دارد	۱۳۳	۱۷/۱
۵	جمع	۷۱۷	۱۰۰

جدول ۲. توصیف میزان اعتماد به پلیس در شهر تهران

ردیف	میزان اعتماد	فراوانی	درصد
۱	اصلاً اعتماد ندارد	۳۶	۵/۷
۲	اعتماد کمی دارد	۶۳	۱۰
۳	در حد متوسط اعتماد دارد	۱۹۶	۳۱/۲
۴	اعتماد زیادی دارد	۳۰۹	۴۹
۵	بی جواب	۲۶	۴/۱
۶	جمع	۶۳۰	۱۰۰

چنانچه جدول ۱ نشان می‌دهد، بیش از نیمی از جمعیت پکن (۵۵ درصد) در حد متوسط به پلیس اعتماد دارند و تنها ۱۷/۱ درصد اعتماد زیاد به پلیس دارند. ۲۸ درصد هم یا اصلاً اعتماد ندارند یا اعتماد کمی به پلیس دارند.

جدول ۲ وضعیت اعتماد به پلیس را در تهران نشان می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که حدود نیمی از جمعیت (۴۹ درصد) به پلیس اعتماد زیاد دارند و ۳۱ درصد هم در حد متوسط و فقط ۵/۷ درصد اعتماد کم دارند یا اصلاً اعتماد ندارند.

مقایسه دو جدول نشان می‌دهد که درصد کسانی که اصلاً به پلیس اعتماد ندارند در تهران و پکن تقریباً یکسان است (۵ درصد و ۵/۷ درصد) ولی تفاوت چشمگیری بین میزان اعتماد زیاد به پلیس در شهر پکن و تهران وجود دارد و مردم شهر تهران تقریباً سه برابر بیشتر از مردم پکن به پلیس اعتماد دارند (۱۷ درصد پکن و ۴۹ درصد تهران) همچنین نتیجه حاکی از تفاوت قابل توجه بین اعتماد کم به پلیس در بین مردم این دو شهر می‌باشد (۲۳ درصد پکن و ۱۰ درصد تهران). در جمع‌بندی کلی نتایج حاکی از اعتماد بیشتر مردم تهران به پلیس نسبت به شهر پکن می‌باشد.

جدول ۳. توصیف کلی متغیرها در شهر پکن

ردیف	میزان اعتماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱	اعتماد به پلیس	۲/۸۴	۰/۷۵	۱	۴
۲	جنس (خانم)	۰/۵۰	۰/۵۰	۰	۱
۳	سن (جوان)	۰/۲۱	۰/۴۱	۰	۱
۴	تحصیلات (زیر دیپلم)	۰/۸۸	۰/۳۱	۰	۱

۵	درآمد کم	۰/۱۷	۰/۳۷	۰	۱
۶	بیکار	۰/۱۱	۰/۳۲	۰	۱
۷	قدرت سیاسی	۴/۹۶	۱/۳۹	۲	۱۰
۸	رضایت از امنیت عمومی	۳/۱۱	۱/۰۹	۱	۵
۹	کیفیت زندگی	۰/۰۹	۱/۰۰	-۲	۲

جدول ۴. توصیف کلی متغیرها در شهر تهران

ردیف	میزان اعتماد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
۱	اعتماد به پلیس	۳/۲۹	۰/۸۸	۱	۴
۲	جنس (خانم)	۰/۴۹	۰/۵۰	۰	۱
۳	سن (جوان)	۰/۳۸	۰/۴۸	۰	۱
۴	تحصیلات (زیر دیپلم)	۰/۲۴	۰/۴۳	۰	۱
۵	درآمد کم	۰/۳۷	۰/۴۸	۰	۱
۶	بیکار	۰/۰۷	۰/۲۵	۰	۱
۷	قدرت سیاسی	۳/۴۷	۰/۹۹	۲	۱۰
۸	رضایت از امنیت عمومی	۳/۲۰	۱/۰۰	۱	۵
۹	کیفیت زندگی	۰/۰۹	۱/۰۰	-۲	۲

چنانچه جداول ۳ و ۴ نشان می‌دهند، میانگین اعتماد به پلیس در تهران (۳/۲۹) بیشتر از پکن (۲/۸۴) است؛ لیکن انحراف معیار اعتماد به پلیس در تهران بیشتر از پکن است که نشان‌دهنده پراکندگی بیشتر داده‌ها می‌باشد. از سویی تفاوت چشمگیری بین میانگین سن پاسخگویان و تعداد افراد جوان پاسخگو در دو کشور و نیز افراد زیردیپلم وجود دارد.

آزمون فرضیه‌ها: چنان که گفته شد، براساس داده‌های موجود، سنجش اعتماد به پلیس در پکن، ۸ فرضیه طرح شده بود که به بررسی کل فرضیه‌ها در جدول زیر و مقایسه آن‌ها می‌پردازیم. لازم به ذکر است همبستگی برای متغیرهای اسمی از کای اسکویر و برای ترتیبی از ضریب گاما استفاده شده است.

جدول ۵. بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل با اعتماد به پلیس در تهران و پکن

ردیف	میزان اعتماد	پکن		تهران	
		معناداری	همبستگی	معناداری	همبستگی
۱	خانم	۰/۱۱۳	۰/۱۴۷	۲/۹۶۹	۰/۳۹۶
۲	جوان	-۰/۴۹۸	۰/۰۷۸	۰/۶۳۵	۰/۳۰۴
۳	تحصیلات زیردیپلم	۰/۶۸۱	۰/۲۳۷	۰/۸۴۴	۰/۸۳۹
۴	درآمد کم	-۰/۲۴۴	۰/۲۰۴	-۰/۴۰۱	۰/۰۳۸
۵	بیکاری	۰/۲۰۶	۰/۲۳۴	۰/۱۴۵	۰/۹۸۶
۶	قدرت و تأثیر سیاسی	۰/۱۰	۰/۰۳۰	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰
۷	رضایت از امنیت عمومی	۰/۱۸۱	۰/۰۷۱	۰/۷۲۲	۰/۰۰۰
۸	کیفیت زندگی	۰/۲۰۵	۰/۰۸۰	۰/۱۹۷	۰/۰۰۰
۹	رگرسیون	۰/۱۸	—	۰/۳۴۹	—

همان‌گونه که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، بسیاری از فرضیاتی که متعلق به ویژگی‌های شخصی پاسخگویان بود به نتیجه نرسید. در فرضیات در نظر گرفته شده برای پکن قرار بود خانم‌ها، جوانان، افراد کم درآمد و با تحصیلات پایین و همچنین بیکاران به دلیل نداشتن قدرت، اعتماد به پلیس هم نداشته باشند. از این فرضیات در بین مردم پکن فقط رابطه معکوس جوانان با اعتماد به پلیس (آنهم در سطح ضعیف) تأیید شد؛ یعنی جوانان اعتماد کمتری به پلیس داشتند. اما سایر فرضیات که مربوط به متغیرهای اجتماعی و نگرشی افراد بودند، همگی در بین پاسخگویان پکنی و تهرانی جواب مثبت داده و تأیید شد. از جمله داشتن قدرت و تأثیر سیاسی با اعتماد به پلیس رابطه مثبت داشت و با همبستگی ۰/۱۰ در پکن و ۰/۳۹۸ در تهران با سطح معناداری بیش از ۹۵ درصد تأیید شد. همچنین تحقیق نشان داد که افرادی که رضایت بیشتری از امنیت عمومی داشتند و معتقد بودند دولت به فکر تأمین امنیت مردم است، اعتماد بیشتری نسبت به پلیس (به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت عمومی) داشتند. این فرضیه هم در تهران با همبستگی بیشتری نسبت به پکن و سطح معناداری بالاتری (۹۹ درصد) تأیید گردید و در پکن با سطح معناداری ۹۳ درصد تأیید شد.

آخرین فرضیه تحقیق راجع به کیفیت زندگی بود که رابطه مثبت آن هم در تهران و پکن تأیید گردید و نشان داد کسانی که از کیفیت زندگی خود راضی بودند، نگرش مثبت‌تری هم نسبت به پلیس داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق، آزمایش تجربی سطح اعتماد مردم پکن و تهران به پلیس و ارزیابی آثار متغیرهای

متضاد در اعتماد به کنترل کشور توسط پلیس بود. نتایج تحقیق نشان داد که اولاً، اکثریت پکنی‌ها، طرز فکر نسبتاً مثبتی راجع به پلیس در جامعه دارند؛ ولی نگرش تهرانی‌ها نسبت به پلیس خود و اعتماد به او بیشتر از پکنی‌ها بود. در تحلیل محقق چینی آمده است که بجای اینکه اعتماد به پلیس جواب‌دهندگان چین را دست کم بگیرید، به آن اهمیت زیادی دهید و آن را بسیار مورد ارزیابی قرار دهید. به دلیل اینکه اگرچه جواب‌دهندگان چینی از مسؤولین قانون ناراضی بودند و از اینکه احساسات و عقاید واقعیشان برای محققان آشکار شود، ناراحت بودند، ولی دلیل خاصی برای پنهان کردن ارزیابی‌های مثبتشان نسبت به پلیس نداشتند.

دوم اینکه، متغیرها مستقیماً نتیجه تئوری تعارض هستند که نسبتاً بیانگر قدرت اعتماد مردم به پلیس می‌باشند. تن‌ها یکی از ۵ متغیر متضاد، یعنی سن در چین و درآمد در تهران عوامل مهمی هستند. سن نسبت به ویژگی‌های دیگر، مهم‌ترین عامل ارزیابی مردم چین نسبت به پلیس می‌باشد. اکثریت تحقیقات انجام شده در این زمینه، به این نتیجه رسیده‌اند که جوانان نسبت به افراد مسن‌تر، طرز فکر چندان مساعدی راجع به پلیس ندارند. چرا جوانان چینی اعتماد کمتری به پلیس دارند؟ محقق چینی پاسخ می‌دهد در این زمینه چند احتمال وجود دارد. اول اینکه افراد جوان چینی نسبت به افراد مسن، آزادی را بیشتر دوست دارند و گرایش به انجام کارهای خطرناک دارند. بنابراین، معمولاً آن‌ها برخورد غیر ارادی و منفی با پلیس دارند، به همین دلیل طرز فکر چندان مثبتی نسبت به پلیس ندارند. همچنین احتمال دارد که جوانان چینی نسبت به افراد مسن‌تر تحت تأثیر رسانه‌های رسمی (مثل تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها) قرار بگیرند که محتوای آن‌ها کاملاً توسط دولت بازرسی شده و آن‌ها گزارش‌هایی کاملاً مثبت را به کار می‌برند. جوانان چینی اطلاعات زیادی راجع به انواع رسانه‌های جدید مثل اینترنت دارند، آن‌ها در معرض اطلاعات گوناگون مثل تأثیرات پلیس بر مردم، صداقت و مشروعیت پلیس قرار می‌گیرند و آگاهی آن‌ها از حقوقشان و دیدگاهشان نسبت به پلیس بالاتر می‌رود. سرانجام، جوانان نسبت به افراد مسن، طرز فکر منفی راجع به پلیس دارند به دلیل اینکه نسل جوان ترس زیادی از بیان عقاید واقعیشان ندارند (سان، ۱۹، ص ۲۰۰۹). لازم به ذکر است با توجه نتایج تحقیق، نظر جوانان در تهران، دیدگاه سون^۱ را در مورد جوانان تأیید نکرد اگرچه ویژگی‌های برشمرده برای جوانان شامل جوانان تهرانی هم می‌شود؛ لیکن این ویژگی‌ها باعث موجب نشده که جوانان تهرانی به پلیس بی‌اعتماد شوند. شاید علت این امر عملکرد دقیق‌تر و منطقی‌تر پلیس تهران در مقایسه با پلیس پکن باشد. البته آنچه گفته شد و نیز نظرات سان

بر مبنای شواهد تجربی و تحقیقی نیست؛ بلکه بیشتر مبتنی بر شواهد تجربی و احتمالات است. آنچه بسیار حیرت‌آور است این است که هیچ یک از ارزیابی‌های قدیمی گروه‌های اجتماعی برگرفته شده از نظریات تعارض مانند سابقه تحصیلی، سطح درآمد و موقعیت شغلی، عوامل مهمی برای طرز فکر چینی‌هایی که در یک کشور کمونیستی زندگی می‌کنند، راجع به پلیس نمی‌باشد. البته محقق در تأیید این نتیجه می‌گوید باید توجه داشت که فرهنگ قدیمی چینی‌ها، مردم را تشویق می‌کند تا به چیزهایی که دارند، راضی باشند. این امر تا حدی می‌تواند نارضایتی افرادی که موقعیت اجتماعی پایینی دارند را نسبت به دولت و پلیس کم کند. به علاوه، تحصیلات و درآمد در چین لزوماً عوامل ارزیابی معتبر و درستی برای افراد مختلف و موقعیت‌های اجتماعی، محسوب نمی‌شود. به عنوان مثال، بیشتر تاجران و سرمایه‌گذاران ثروتمند، تحصیلات کمی دارند؛ ولی موقعیت اجتماعی بالایی در جامعه چین دارند. از طرفی خیلی از افراد درآمد خود را به درستی نمی‌گویند؛ بنابراین ممکن است فرضیه تأیید نشود. البته در تهران نتایج نشان داد کسانی که درآمد پایین دارند و در واقع طبق تئوری تعارض قدرت اقتصادی ندارند، در مقایسه با ثروتمندان، اعتماد کمتری به پلیس دارند. این احتمال وجود دارد که افراد با درآمد پایین در کل اعتماد کمتری نسبت به دولت و سیستم آن داشته و فقر خود را ناشی از کوتاهی دولت بدانند و این بی‌اعتمادی عمومی باشد؛ ولی تئوری تعارض می‌گوید چون پلیس مدافع حقوق ثروتمندان و مخالف فقر است، این افراد اعتماد کمتری به آن‌ها دارند.

سومین یافته مهم تحقیق این است که پکنی‌ها و تهرانی‌های با قدرت و تأثیر سیاسی بالا، طرز فکر مساعدتری نسبت به پلیس دارند. ممکن است افرادی که قدرت سیاسی زیادی دارند، با مؤسسات دولتی رابطه دارند. بنابراین معمولاً طرز فکر مثبتی نسبت به پلیس دارند.

سرانجام، مجموع یافته‌ها نشان می‌دهند که آگاهی مردم نسبت به پلیس با دیدگاه‌های کلی آن‌ها راجع به شایستگی و صداقت دولت شکل گرفته است. ظاهراً وقتی مردم راجع به امنیت عمومی نگرش مثبت دارند و رضایت زیادی از کیفیت زندگی خود دارند، به‌طور کلی به رضایت قابل قبول آن‌ها از اجرای دولت و مخصوصاً پلیس منجر می‌شود.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت این تحقیق بر تست تئوری تعارض آن هم در کشوری که کمونیستی است و مبنای آن را تئوری تعارض شکل می‌دهد، پرداخت و اطلاعات جمع‌آوری شده در تهران هم به‌نحوی گزینش شد که قابل تطبیق و مقایسه با آن داده‌ها باشد (اگرچه ماهیت نظام سیاسی ایران و چین کاملاً متفاوت و حتی متضاد است و اگر قرار باشد تئوری خاصی برای مطالعه در ایران انتخاب شود، نظریات کارکردگرایان و هماهنگی همه بخش‌های جامعه برای کارکرد صحیح آن، انتخاب مناسب‌تری باشد)؛ ولی در کل، نتایج

تحقیق تأیید کننده نظریه تعارض نبود. آنچه تأیید شد رضایت از زندگی و امنیت عمومی و نیز نگرش افراد نسبت به قدرت و اینکه آیا آن‌ها می‌توانند در سیاست تأثیرگذار باشند، بود که خاص تئوری تعارض نیست و چنانچه مشاهده شد این فرضیات در هر دو کشور ایران و چین با ماهیت متفاوت تأیید گردید.

همچنین نتیجه تحقیق نشان داد که در مجموع اعتماد مردم به پلیس در تهران بسیار بیشتر از اعتماد مردم چین به پلیس است. آن هم در شرایطی که نظام چین از جامعه بی‌طبقه و یکسان بودن افراد جامعه حرف می‌زند؛ ولی پلیس آن نمی‌تواند در اجرای قوانین عدالت را رعایت کرده و بین فقیر و غنی تمایز قائل نشود، چنانچه در طول تحقیق ایوان، وای سون (محقق چینی) به کرات به نمونه‌هایی از تبعیض بین فقیر و غنی و قدرتمند و بی‌قدرت در چین اشاره کرده است. پس می‌توان نتیجه گرفت آنچه در شعارها گفته می‌شود می‌تواند بسیار متفاوت از عملکرد دولت‌ها باشد. خوشبختانه در ایران علاوه بر شعار عدالت و عدم تبعیض که ناشی از فرهنگ غنی اسلامی است در عمل هم پلیس بیشتر توانسته به عدالت حکم کند و اعتماد زیادی را به خود جلب کند، اگرچه هنوز تا رسیدن به وضع مطلوب فاصله وجود دارد و پلیس باید برای رسیدن به جایگاه واقعی خود جلب اعتماد مردم تلاش بیشتری کند.

محدودیت‌های تحقیق: قبل از پرداختن به پیشنهادات، محدودیت‌های تحقیق ذکر می‌شود. اولاً، متغیر وابسته یعنی اعتماد پلیس، بر اساس یک عامل بنا شده بود. در سال ۲۰۰۱، استوتلند^۱ اظهار داشت که اعتماد به پلیس مفهوم پیچیده‌ای است که شامل جنبه‌های مختلفی مانند: قابلیت اعتماد، شایستگی، رعایت احترام، و برتری‌ها می‌باشد. اگرچه، متغیر وابسته بسیار معتبر بود؛ ولی نمی‌توانست به اندازه کافی ابعاد مختلفی که با مفهوم اعتماد به مردم ادغام شده را منعکس کند.

دوم این که اطلاعات لازم هم برای مقایسه کامل وجود نداشت. برخی اطلاعات مفید در مورد اعتماد مردم تهران به پلیس وجود داشت؛ از جمله اعتماد به مسئولین پلیس و ویژگی‌های آنان که به دلیل نبود داده‌های مشابه در تحقیق پکنی از آن‌ها صرف‌نظر شد. همچنین به دلیل استفاده تحقیق پکنی از دیدگاه تعارض مجبور بودیم که بر همان مبنا اطلاعات مربوط به تهران را ارائه دهیم که البته نتایج قابل توجهی هم به دست آمد.

پیشنهادها:

- بالا بردن زمینه مشارکت مردم با پلیس موجب افزایش اعتماد مردم به پلیس می‌شود.
- نظارت بر عملکرد پلیس و کنترل رفتار آن‌ها و جلوگیری از تبعیض بین شهروندان در اجرای قوانین

نقش مهمی در افزایش اعتماد مردم دارد.

- کاهش برخورد منفی و غیر ارادی و افزایش برخوردهای مثبت و ارادی بین پلیس و جوانان موجب جلب اعتماد بیشتر جوانان به پلیس می‌شود. برخورد منفی با کاهش و پیشگیری اقدامات پرخاشگرانه جوانان انجام می‌شود. برخوردهای مثبت با برنامه‌های آموزشی و اداره امور پلیسی در اجتماع رواج می‌یابد.
- باید توجه داشت که طرز فکر مردم نسبت به پلیس در زمانی اندک، عوض نمی‌شود و باید دولت در زمینه‌های مختلف رضایت مردم را جلب کند.
- افزایش امنیت عمومی خود موجب افزایش اعتماد به پلیس می‌شود، پس در این زمینه بیشتر تلاش شود.
- در نهایت رئیس پلیس و افسران اداره امور پلیسی می‌توانند جلساتی را برای اهل محل ترتیب دهند و از ساکنین دعوت کنند که به این جلسات بیایند تا از آن‌ها سؤالاتی کنند، واقعیت شایعه‌هایی که درباره پلیس وجود دارد را آشکار و تشویقشان کنند که در مواقع ضروری پلیس را خبر کنند و به مشکلات خاص و نگرانی‌هایی که ممکن است به وجود آید، توجه کنند، شخصیت افسران را برایشان مشخص سازند و علاقه افسران را برای کمک به مردم بازگو کنند تا ترس از پلیس را کم کنند و در نتیجه رضایت آن‌ها را برای گزارش کردن جرم بالا برده و در همه جا از پلیس حمایت کنند و اعتمادشان به پلیس افزایش یابد.

منابع

منابع فارسی:

- یافته‌های پیمایشی در ۲۸ استان کشور (۱۳۸۲). *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: موج دوم*. تهران: دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد دوم، بینش‌ها و فنون)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۶). *بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی*. (رساله دکترای)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- یونینگ، وو؛ سون، ایوان (۲۰۰۹). *بررسی میزان اعتماد مردم چین به پلیس*. پکن: دانشگاه دلاویر.

منابع انگلیسی:

- Cao, L., & Hou, C. (2001). A comparison of confidence in the police in China and the United States. *Journal of Criminal Justice*, 29, 87-99.
- Lin, N., & Xie, W. (1988). Occupational prestige in urban China. *American Journal of Sociology*, 93, 793-832
- Zhu, H., Wang, L., Lu, J., Guo, J., & Zhou, L. (1995). The international crime (victim) survey in Beijing. In U. Zevkic & A. Del Frate (Eds.), *Criminal victimization in the developing world* (pp. 67-87).

- Rome, Italy: United Nations International Crime and Justice Research Institute.
- Lin, N., & Xie, W. (1988). Occupational prestige in urban China. *American Journal of Sociology*, 93, 793-832.
- Pastore, A., & Maguire. K. (Eds.). (2003). *Sourcebook of criminal justice statistics*. Washington, DC: Bureau of Justice Statistics.
- Zhu, H., Wang, L., Lu, J., Guo, J., & Zhou, L. (1995). The international crime (victim) survey in Beijing. In U. Zevkic & A. Del Frate (Eds.), *Criminal victimization in the developing world* (pp. 67-87). Rome, Italy: United Nations International Crime and Justice Research Institute.
- Yuning Wu & Sun, Ivan Y (2009). Citizen Trust in Police The Case of China, University of Delaware, *Police Quarterly*, 12, 2 , 170-191.
- Chambliss, W. & Seidman, R. (Eds.) (1982). *Law, order, and power*. (2nd ed.). MA: Addison-Wesley.
- Quinney, R. (1970). *The social reality of crime*. Boston: Little, Brown.
- Turk, A. (1969). *Criminality and legal order*. Chicago: Rand McNally.
- Vold, G. (1958). *Theoretical criminology*. New York: Oxford University Press.
- Chambliss, W., & Seidman, R. (1971). *Law, order, and power*. Reading, MA: Addison-Wesley.

